

واکاوی معماری سنتی دوره قاجار در قلعه اسفندیاری استان چهارمحال و بختیاری

معصومه طاهری دهکردی^۱

چکیده

عصر قاجار دوره تغییر و تحولات در ساخت عمارت‌های مسکونی است که در آن یک تنوع و خلاقیت فضایی در فضاهای داخلی عمارت‌های تاریخی مشاهده می‌شود. این تنوع و خلاقیت فضایی در هر منطقه متأثر از تعاملات فرهنگی آن است، بنابراین، هر منطقه معماری خاص خود را دارد. معماری قلعه اسفندیاری، به عنوان یکی از بناهای شاخص معماری دوره قاجار، هم به لحاظ عملکردی و هم به لحاظ زیبایی‌شناسی از اهمیت زیادی برخوردار است. علی‌رغم ارزش این خانه، مطالعه‌ای چه از لحاظ زیبایی‌شناسی و چه از لحاظ معماری روی آن صورت نگرفته است. از این رو، پژوهش حاضر سعی دارد مؤلفه‌ها و ویژگی‌های معماری به کار رفته در این عمارت را بررسی کند. این پژوهش به لحاظ روش‌شناسی از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و روش گردآوری اطلاعات آن نیز در قالب مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که این خانه تاریخی با ساختار پیچیده و نوع معماری خاص خود، بنایی متفاوت در میان بافت سنتی منطقه به شمار می‌رود و معماری آن بر پایه اصول معماری ایرانی (سنتی) و معماری بومی است. بخش تابستان‌نشین عمارت در جلو و شامل اتاق‌های هفت‌دری و سه‌دری و زمستان‌نشین در پشت این بخش ایجاد شده است. شاه‌نشین در ضلع شمالی و ضلع‌های شرقی و غربی مربوط به سکونت اعضای دیگر خانواده و ضلع جنوبی ورودی و انبارها است.

کلید واژگان: معماری قاجار، عناصر کارکردی، قلعه اسفندیاری، روابط فضایی.

۱. دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی، گرایش تاریخی. دانشگاه بوعلی سینا همدان. m.dehkordi2010@yahoo.com

مقدمه

خانه مکانی است که هر فرد بیش‌ترین زمان خود را در آن سپری می‌کند، به همین دلیل شناخت مفاهیم عمیق آن می‌تواند به خلق محیطی مطلوب منجر شود. در دوره قاجار تحولاتی اساسی در معماری و تزیینات وابسته به معماری مشاهده می‌شود. معماری بومی عمارت‌های مسکونی-تاریخی این دوره، مستقیماً با اقلیم و نگرش فرهنگی هر منطقه ارتباط نزدیک می‌یابد. معماران ایرانی در این دوره با توجه به آشنایی با معماری غرب و درآمیختن آن با معماری سنتی-ایرانی آثار بی‌وجود آوردند که از نظر معماری جالب توجه‌اند. اگر معماری عمارت‌های مسکونی از زاویه فضایی ارزیابی شوند، خلاقیت‌های فضایی در معماری این دوره ارزش پیدا می‌کند و نسبت به دوره پیش از خود در جایگاه تکامل یافته‌تری قرار می‌گیرد؛ بنابراین، معماری از نظر فضایی متنوع و خلاقیت‌های فضایی افزایش می‌یابد. بناهای مسکونی این دوره از مشخصه برونگرایی فاصله گرفته و درونگرایی جایگزین آن می‌شود. این تغییر در فضای معماری در دوره قاجار تلفیقی از معماری بومی و تأثیر گرفته از معماری غرب است و تقریباً این اصول در هر دو خانه‌های اعیانی و مردم عادی مشاهده می‌شود.

به دلیل قدرت بالای خوانین بختیاری، قلعه‌های بسیاری در این استان ساخته شده است. این قلعه‌ها یا خانه‌های اشرافی را می‌توان یکی از سرمایه‌های فرهنگی و معماری دوره قاجار در این استان دانست، هر چند برخی از این قلعه‌ها رو به نابودی هستند. به دلیل آنکه ساخت این قلعه‌ها ربطی به جنبه‌های حفاظتی و امنیتی نداشته است، در گروه عمارت‌های مسکونی و به نام خانه‌های اشرافی قرار می‌گیرند. این خانه‌های اشرافی جزو شاخص‌ترین بناهای تاریخی-فرهنگی این استان هستند و از لحاظ معماری و تزیینات ارزش بالایی دارند. قلعه اسفندیارخان از نمونه این خانه‌های اشرافی است که بخشی از گنجینه پربار تاریخ هنر و معماری ایران به حساب می‌آید. هدف از انجام این پژوهش شامل: ۱. بررسی و شناخت معماری قلعه یا خانه اشرافی اسفندیاری؛ ۲. بررسی نوع معماری انتخاب شده متناسب با اقلیم منطقه است. مهم‌ترین پرسش‌های پیش رو عبارتند از: ۱. رابطه میان سبک زندگی و نحوه قرارگیری فضاهای مسکونی در این مجموعه چگونه است؟ ۲. معماری این خانه تاریخی از چه عناصر معماری دوره قاجار تبعیت می‌کند؟ بر این اساس، عمارت اعیان‌نشین قلعه اسفندیاری هم به لحاظ عملکرد و هم به لحاظ زیبایی‌شناسی از غنای خاصی برخوردار است. رویکرد این معماری در بخش خصوصی (معماری مردمی) و در تداوم شناخت هر چه بهتر بقایای معماری دوره قاجار در این استان

راه‌گشاست. نوع سبک و روش زندگی در این خانه اشرافی متناسب با نوع چیدمان فضایی است و بین سبک زندگی، اقلیم منطقه و نحوه ایجاد بخش‌های مسکونی یک ارتباط مستقیم مشاهده می‌شود. قلعه اسفندیاری تا مدت‌ها متروک بوده و عملیات مرمتی آن نیز به علت هزینه‌های گزاف به صورت ناتمام باقی مانده است.

این پژوهش به لحاظ هدف از نوع تحقیقات علمی-موردی و به لحاظ روش‌شناسی توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات در قالب مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی است. به علت عدم ثبت و شناخت کامل این قلعه (خانه اشرافی)، با حضور در محل و مصاحبه با ساکنان قدیمی، در شناخت هر چه بهتر این خانه تلاش شده است.

پیشینه پژوهش

معماری خانه‌های خان‌نشین یا اشرافی در استان با وجود ارزش‌های بسیار، همچنان ناشناخته باقی مانده است و تاکنون پژوهش جامع و منسجمی پیرامون نوع معماری و تزیینات این قلعه صورت نگرفته است. در این بین شمسی‌پور (۱۳۹۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «طرح مرمت و احیای قلعه فرخشهر (اسفندیاری)» و سیده هدی محسن طاهری (۱۳۹۲) در پایان‌نامه خود با عنوان «طرح مرمت و احیای قلعه اسفندیارخان فرخشهر» به بررسی آسیب‌های وارد شده به بنا پرداخته‌اند.

۱. قلعه یا خانه اشرافی

در فرهنگ چهارمحال و بختیاری معنی و ذهنیت از قلعه با آنچه در فرهنگ متداول فارسی قلعه نامیده می‌شود، تفاوت کلی دارد. مردمان چهارمحال و بختیاری به آنچه در فرهنگ متداول فارسی قلعه نامیده می‌شود «دز یا دژ» می‌گویند (آخوندی، ۱۳۷۶: ۳). امروزه بسیاری از روستاهای استان نام قلعه را بر خود دارند، مانند: قلعه عیسی‌خان، قلعه موسی‌خان، قلعه منصور، چم قلعه و غیره که در حال حاضر یا به کلی اثری از قلعه در آنها وجود ندارد و یا مخروبه از قلعه‌ای کهن را در آنها می‌توان یافت. این روستاها از بدو پیدایش، نام قلعه و نام فردی را که اکثراً با پسوند خان همراه است با خود داشته‌اند. بر عکس این موضوع نیز مصداق می‌یابد که روستاهایی نیز وجود دارند که قلعه‌ای سالم و مزین در آنها وجود دارد، اما نام روستا با واژه قلعه همراه نیست (همان، ۱۵۹-۱۶۱). شاید ذکر نام قلعه بر این بناها درست باشد، چرا که تنها به خانه خوانین روستا که هم محل سکونت خان و خانواده و هم دارای جنبه دفاعی به دلیل استفاده از برج و بارو است اطلاق می‌گردد و خانه

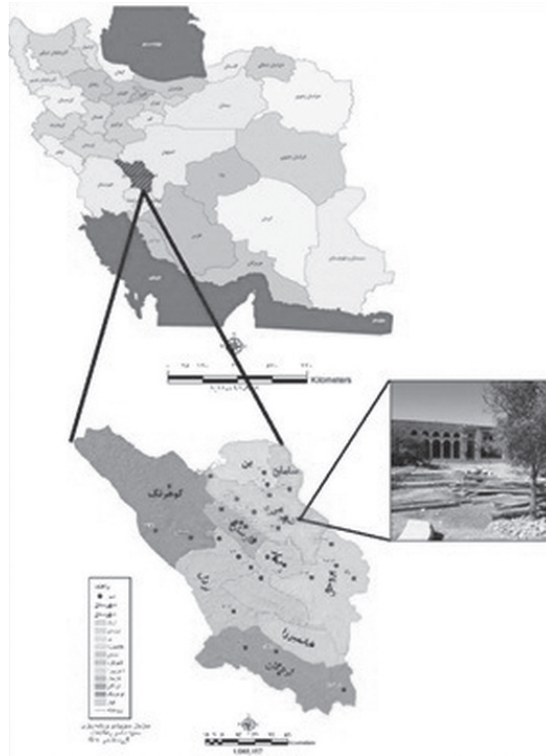
دیگر روستاییان ثروتمند به نام خودشان نامیده می‌شده است (شاهقلیان، ۱۳۹۲: ۳۹). قلعه‌های خانی استان کاربرد دفاعی نداشته و به جای ساخته شدن در بالاترین قسمت کوه‌ها و مکان‌های غیر قابل دسترس، در کنار خانه‌های مردم ساخته و با توجه به مصالح و معماری، نمایشی از قدرت آنان محسوب می‌شده‌اند. برخی از این قلاع ممکن است در مواقع مختلف کارکرد دفاعی و نظامی نیز داشته‌اند، اما معماری آنها نشان می‌دهد که به قصد سکونت ارباب ساخته شده و بیشتر کارکرد اداری داشته‌اند. بنابراین، کاربرد تمامی این قلعه‌ها مسکونی و محل زندگی خان است و کاربری آنها سیاسی، مسکونی، دفاعی و خدماتی بوده است. با توجه به تاریخ‌های ذکر شده برای ساخت تمامی قلعه‌ها، باید به قدیمی‌ترین قلعه‌های حاضر در بین تمامی قلعه‌های موجود در استان، قلعه بارده (۱۲۷۰ هـ.ق)، فرخشهر (۱۲۲۰-۱۲۳۰ هـ.ق) و فردانیه (۱۲۷۹ هـ.ق) اشاره کرد.

۲. موقعیت جغرافیایی قلعه اسفندیاری

شهرستان شهرکرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری با مساحت ۳۷۲۶/۲۵ کیلومتر مربع ۲۴ درصد از مساحت کل استان را به خود اختصاص داده است. فرخشهر در ۱۱ کیلومتری شمال شرقی شهرستان شهرکرد (تصویر شماره ۱) در مسیر راه شهرکرد به اصفهان و در قسمت شرقی رشته کوه‌های زاگرس و در ارتفاع ۲۰۴۰ متری از سطح دریا واقع شده است. فرخشهر از شرق به کوه رُخ؛ از غرب به شهرکرد، شهر کیان و بهرام‌آباد؛ از شمال به کوه‌های دو توی شهرکرد؛ و از جنوب به کوه‌های طاقانک-میرآباد-دستگرد، اما مزاده - سفیددشت منتهی می‌شود (آهنجیده، ۱۳۸۷: ۳۳۰؛ افلاکی، ۱۳۸۲: ۱۶۴). از نظر آب و هوایی و به سبب موقعیت جغرافیایی و ناهمواری‌ها اقلیمی کوهستانی به همراه زمستان‌های سرد و تابستان‌های نسبتاً معتدل دارد. ناهمواری‌ها با جهت شمالی-جنوبی این شهر را از سه طرف احاطه نموده‌اند.

۳. وجه تسمیه فرخشهر

در ارتباط با نام فرخشهر و تاریخچه آن اطلاعات دقیقی در دست نیست. منطقه چهارمحال از قرن هفتم هجری تحت سلطه اتابکان فارس و لرستان (۵۴۳-۶۶۴ هـ.ق) بوده و ساختمان‌هایی برای پاسگاه به دلیل تأمین راه و رفع مایحتاج مسافرین در محل رباط شش کیلومتری مرکز قهفرخ، مرکز حکومت آن زمان، ساخته شده است. در بستان‌السیاحه تألیف حاجی زین العابدین شیروانی نوشته شده: «قهفرخ مرکز حکومت ایلخانی بوده است و قوانین این محل هنوز هم معروف و مشهور است» (آهنجیده، ۱۳۸۷: ۳۳۱).



تصویر شماره ۱. موقعیت جغرافیایی قلعه اسفندیاری فرخشهر (نگارنده)

برای نخستین بار در سفرنامه ابن بطوطه (۷۵۲-۷۲۵ ه.ق) چنین آمده است: «پس از چند روز از ایذه حرکت کردیم. منزل اول در مدرسه السلاطین که مقبره خانوادگی پادشاهان است توقف کردیم و چند روزی در آنجا ماندیم. سلطان قدری پول برای من و رفقایم فرستاد. تا مدت ده روز در قلمرو حکومت اتابک راه پیمودیم. راه ما از میان کوه‌های بلند بود و هر شب در مدرسه‌ای منزل می‌کردیم که در همه آنها وسائل خورد و خوراک مسافرین فراهم بود. از این مدرسه‌ها برخی در میان آبادی قرار گرفته و برخی دیگر در مواضع غیر معمور بنا شده و ناچار اجناس مصرفی آنها را از نقاط دیگر می‌آوردند. روز دهم به مدرسه‌ای رسیدیم که «کریوالرخ» نامیده می‌شد. این منزل آخرین نقطه زیر حکومت اتابک بود و از آن پس مسافرت ما در زمین پهناور و پرآبی آغاز شد که از مضافات شهر اصفهان به شمار می‌رود» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۳۷). محمدعلی موحد در پی‌نوشت انتهای کتاب پیرامون واژه کریوالرخ می‌گوید: «گیب می‌گوید این محل قابل تطبیق با کهوارخ از چارمحل اصفهان است» (همان، یادداشت مترجم، ۵۲۹).

در مورد وجه تسمیه این شهر نظرات مختلفی موجود است: «نام قدیمی فرخ‌شهر قهفرخ و کی فرخ و کریوه‌الرخ بوده است و گویند سازنده اولی این محل زنی بوده است، فرُخ نام و کوه بزرگی که در شرق آن قرار گرفته به نام او نامگذاری شده است که آن را کوه فرُخ (کَهْفَرُخ) گویند، ولی در اسناد و نوشته‌های سابق قهوه‌رخ هم نوشته شده است» (آهنجیده، ۱۳۸۷: ۳۳۱). «قَهْفَرُخ، به منزله قفای رُخ (رُخ نام کوه شرقی و شمالی قهفرخ و دوتوی شهر کرد، تا منتهی می‌شود به کوه سامان و حد بین ما و بین بلوک لنجان اصفهان و قراء چهارمحال) و کَهْف رُخ، چون کَهپایه، کی فرخ. کریوه رُخ و در نوشته‌جات محلی به عبارت قهوه‌رُخ ذکر شده و در دامنه این کوه و گردنه قهوه‌خانه و یا محلی بوده که مسافرین استراحت می‌نمودند» (نیکزاد امیر حسینی، ۱۳۵۴: ۱۷۶). «کلمه قَهْفَرُخ معرب «کوه رخ» بوده و در ضمن خود این واژه مخفف «کوه رُخ» بوده و به دلیل اینکه شهر در پای کوه رُخ واقع شده در اصل این کلمه کَهْفَرُخ بوده و به مرور زمان تبدیل به قَهْفَرُخ تغییر نام پیدا کرد. به نظر می‌رسد از زمانی که اعراب وارد ایران شدند حرف «ک» به «ق» تبدیل گردیده و این شهر قَهْفَرُخ نامیده شده و وقتی شهریت پیدا کرد فرخ‌شهر نامگذاری گردید» (افلاکی، ۱۳۸۲: ۱۶۴). گروه دیگری عقیده دارند که قَهْفَرُخ برگرفته از واژه «پس فرُخ» یکی از سرداران خسرو پرویز است که به اهتمام آن سردار با تدبیر راهدارخانه‌ای در جوار کوه رخ بنا شده که سنگ اول بنای قهفرخ ریشه در آن دارد. گروه دیگری نیز معتقدند که قَهْفَرُخ تغییر شکل یافته قفای رخ است. قفا به معنی پنهان و قفا به معنی پنهان در پشت کوه رخ بوده که به قَهْفَرُخ تبدیل شده است» (فتوحی، ۱۳۸۱: ۷۳). «جمعی دیگر عقیده دارند که فرخ نامی از سلاطین پیشدادی یا کیانی، کاخی بلند بنا نهاد و کوه حوالی آن کوه فرخ نامیده شد و بعضی دیگر گفته‌اند که در زمان کیکاوس این محل بنام پرنده‌ای که رُخ نام داشته ساخته شده، و کوه آن را کوه رُخ نامیدند. اما مشهور آن است که چون در دامنه کوه و یا قفای این کوه که رُخ نامیده می‌شود آبادی ساخته شده کَهْفَرُخ یا قَهْفَرُخ معروف گردیده است» (نیکزاد امیر حسینی، ۱۳۵۴: ۱۷۶). در برخی پژوهش‌های دیگر، قهفرخ معرب واژه «گه فرخ» به معنای «سرای فرخ و خجسته» دانسته شده است (فرمانداری شهرستان شهرکرد).

با توجه به آنچه به تمامی گفته‌های پژوهشگران استناد می‌شود، در در وجه تسمیه قهفرخ چنین باید استدلال کرد که «قهفرخ» معرب واژه «کَه فرُخ» مخفف «کوه فرُخ» است و از آنجایی که این شهر (در گذشته با کوه رُخ همجوار بوده است)، کلمه «کوه فرُخ» به مرور زمان و در اصطلاح عامیانه به «کَه فرُخ» معروف و سپس به «قهفرخ» تبدیل شده و به مرور زمان بر اثر استعمال زیاد در تلفظ عامیانه به قَهْفَرُخ تغییر نام داده که در سال ۱۳۴۹ به پیشنهاد جمعی از اهالی و با اهتمام شهردار وقت به فرُخ شهر تغییر نام یافته است (طاهری دهکردی، ۱۳۹۹).

۴. پیشینه تاریخی قلعه اسفندیاری

در دوره قاجار حکومت چهارمجال در دست خاندان ریاحی، محمدرضاخان، حاج مهدیخان، خان باباخان و خدارحمخان، در مرکز چالشر و حکومت بختیاری نیز در دوره ناصرالدین شاه به حسینیقلیخان بختیاری سپرده شد. او مقام ایلخانی دریافت کرد و کم‌کم بر منطقه چهارمجال نیز مسلط شد، «منطقه چهارمجال تا دوره ایلخانی حسینیقلیخان از سرزمین بختیاری مستقل اداره می‌شده است» (شاهقلیان، ۱۳۹۲: ۱۷). با انتصاب حسینیقلیخان به مقام ایلخانی، در عمل اقتدار خوانین چالشر که حاکم چهارمجال بودن از بین رفت و پایه نفوذ و مالکیت خوانین بختیاری در چهارمجال گذاشته شد. با نفوذ آنان به منطقه چهارمجال ساخت قلعه‌های سران بختیاری در این مناطق آغاز شد. سران بختیاری به دلیل نفوذ در دستگاه حاکمه مرکزی توانستند عمارت‌های مسکونی مهمی را بسازند. قلعه اسفندیارخان که از قلاع مشهور و قدیمی به شمار می‌رود به همت اسفندیارخان معروف به سرتیپ (سردار اسعد بزرگ) بختیاری در فرخشهر ساخته شد (تصویر شماره ۲ و ۳).



تصویر شماره ۲. موقعیت جغرافیایی قلعه اسفندیاری فرخشهر در سال ۱۳۹۹ (Google Maps)



تصویر شماره ۳. موقعیت جغرافیایی قلعه اسفندیاری در سال ۱۳۸۴ (محسن طاهری، ۱۳۹۲: ۴۹).

اسفندیارخان بزرگترین پسر حسینقلی خان بختیاری بود. پدرش ایلخانی کل بختیاری و از طایفه زراسوند از باب دورکی شاخه هفت لنگ بود و مادرش بی بی خانم نیز از طایفه خدر سرخ از باب دورکی شاخه هفت لنگ بختیاری بود (سردار ظفر بختیاری، ۱۳۶۲: ۲۰۱). پس از انتصاب حسینقلی خان به مقام ایلخانی کل بختیاری که طی فرمانی از جانب ناصرالدین شاه قاجار در ۱۲۸۴ هـ ق صورت پذیرفت، دوران ترقی و درخشش در زندگی سیاسی اسفندیارخان آغاز گردید (پوربختیار، ۱۳۸۹: ۴۴۴). او در سال ۱۲۸۵ هـ ق با قبول درجه سرهنگی به ارتش ناصرالدین شاه پیوست. ناصرالدین شاه که از قدرت ایلخان بختیاری می ترسید، از حسینقلی خان خواست تا اسفندیارخان را همراه با سپاهش در تهران مستقر کند. پس از این اتفاق به سال ۱۲۹۲ هـ ق درجه سرتیپی به اسفندیار خان داده شد. طی شورش سال ۱۲۹۸ هـ ق در کردستان و آذربایجان، اسفندیارخان شورش را سرکوب کرد و هنگام بازگشت به پایتخت به مقام سرتیپ اولی نائل شد (مکین راس، ۱۳۷۳: ۱۶۱). ظل السلطان با حکمرانی بر اصفهان، از ناصرالدین شاه خواست اسفندیارخان را با سپاهش در اختیار او قرار دهد. در شب ۲۷ رجب ۱۲۹۹ هـ ق حسینقلی خان ایلخانی را با زهر مهلک که در یک فنجان قهوه ریخته شده بود به قتل رساندند. با قتل حسینقلی خان، دوران انزوا و رنج اسفندیار خان شروع گردید و از سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۶ هـ ق در اصفهان به مدت هفت سال زندانی شد (سردار اسعد بختیاری، ۱۳۷۶: ۱۱۹ و ۷۵۷).

اسفندیارخان با برکناری ظل السلطان، از زندان آزاد و به تهران منتقل شد. برای دلجویی از او مقام ریاست کل بختیاری را به او پیشنهاد دادند، اما تا پیش از اسفندیارخان عمویش رضا قلی خان این منصب را در اختیار داشت. اسفندیارخان برای جلوگیری از هرگونه آشوب به جای مقام ریاست، مقام معاونت و قائم مقامی را پذیرفت (سردار ظفر بختیاری، ۱۳۶۲: ۱۹۴). در همین زمان لقب صمصام السلطنه و پس از آن در سال ۱۳۰۷ هـ ق لقب میر پنج به او داده شد. در سال ۱۳۱۲ هـ ق ایشان برای رفع هرگونه دشمنی بین برداران و عموزادگانش تصمیم گرفت مسن ترین فرد یعنی اسفندیارخان به مقام ایلخانی و نفر بعد محمدحسین خان به مقام ایل بیگی رسد. آنان برای تحکیم روابط خود ضمن رد و بدل کردن قرآن های مهر شده خود، با یکدیگر نیز وصلت کردند. بدین صورت، اسفندیارخان با یکی از دختران محمد حسین خان و محمد حسین خان با یکی از دختران اسفندیار خان ازدواج کردند. ثریا بختیاری دومین ملکه محمد رضا پهلوی، فرزند خلیل خان و نوه اسفندیارخان، ثمره همین ازدواج اسفندیارخان با دختر محمد حسین خان بود (پوربختیار، ۱۳۸۹: ۴۴۶؛ شیخ سینی، ۱۳۸۹: ۲۱۵-۲۱۷). در سال ۱۳۱۴ هـ ق لقب صمصام السلطنه به برادر اسفندیارخان و به ایشان لقب سپهدار داده شد. سرانجام، اسفندیارخان به سال ۱۳۲۱ هـ ق در ناغان درگذشت و در تخت فولاد در کنار پدرش به خاک سپرده شد.

طایفه توکلی‌ها که از طبقه اشراف آن زمان بوده‌اند، این قلعه را در سال ۱۲۷۵ ه.ش خریدند و به مدت چهل سال در آن سکونت داشتند. در سال ۱۳۰۸ ه.ش، خانواده طاهریان آن را خریداری کرد. اکنون نیز میراث فرهنگی در پی تلاش برای خرید کامل این قلعه است. این قلعه با دو هزار و ۵۰۰ مترمربع زمین و یک هزار و ۸۰۰ مترمربع زیربنا، در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۸۴ با شماره ثبت ۱۲۴۱۱ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. متأسفانه این قلعه (خانه اشرافی) پس از یک دوره سکونتی، کم‌کم تخریب شده است، با متروکه شدن بنا و با توجه به حجم بالای ساخت و ساز این مجموعه، آسیب‌های بسیاری به این قلعه (خانه اشرافی) وارد شده است. افزون بر تخریب‌های ناشی از نوع اقلیم منطقه، بسیاری از بخش‌ها و تزیینات به سرقت رفته، تمامی این عوامل سبب تخریب کلی بنا در بخش‌های مختلف آن شده است.



۵. عناصر کالبدی

اگر دوره‌های مختلف معماری کهن ایران بررسی شود، می‌توان گفت معماران هر منطقه متناسب با اقلیم همان منطقه نوعی معماری مرسوم کرده‌اند که کاملاً با آن اقلیم همخوانی دارد. بنا در یک فضای هموار بدون پستی و بلندی ایجاد شده که امروز از هر سمتی قابل دسترسی است. در بررسی نخست‌گویی نوع معماری ساده است، اما با ورود به آن معلوم می‌شود که تمامی نقشه متناسب با وضعیت اقلیم منطقه ساخته شده است؛ زیرا در هر محیطی فضای کالبدی آن، مشخص‌کننده تمامی بخش‌های فضایی و مسکونی است. در حقیقت محیط مشخص‌کننده نوع امکانات، سازمان‌دهی فضایی، عناصر کالبدی، شکل، نوع ارتباط و معماری است که تمامی الگوها را متناسب با خود همراه می‌سازد (تصویر شماره ۴). مؤلفه‌های کالبدی و فرهنگی در مجموعه بناهای خانه‌های تاریخی از عوامل مشخص‌کننده بر فضاها هستند که شامل نوع معماری، هماهنگی بین ساختارها، مشخص کردن نوع فضاها، ایجاد تزیینات مختلف متناسب با کاربری هر فضا و نوع فعالیت‌ها در هر بخش سبب شناخت بهتر در نحوه استفاده، شرایط، از بین بردن برخی مشکلات در جریان ساختار بخش‌های مختلف و مشخص کردن نوع استفاده از هر بخش است (جدول شماره ۱).

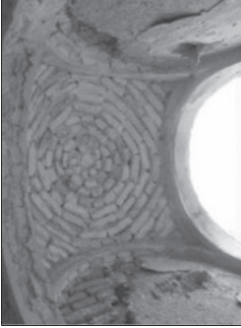
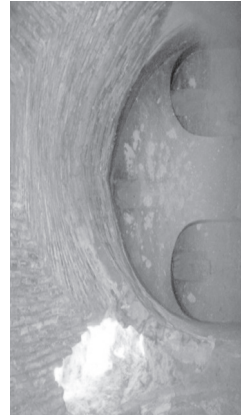


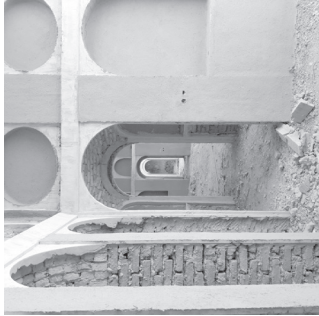

تصویر شماره ۴. نمای کلی قلعه اسفندیاری، دید از ضلع جنوب‌غربی (نگارنده)

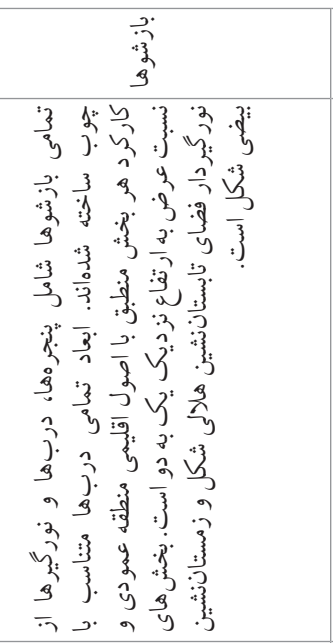
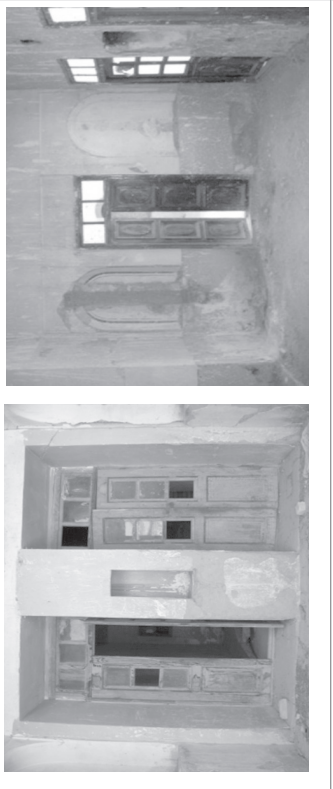
جدول شماره ۱. معرفی ویژگی‌های عناصر کالبدی قلعه اسفندیاری (نگارنده)

تصاویر	معرفی ویژگی‌های عناصر کالبدی قلعه اسفندیاری	ویژگی	عناصر
 <p>استفاده از خشت به عنوان مصالح اصلی (نگارنده)</p>	 <p>استفاده از آجر به عنوان روکش در فضای بیرونی (نگارنده)</p>	<p>مصالح اصلی خشت همراه با روکش آجر است. اندازه خشت‌ها ۲۵×۲۵×۵ سانتیمتر است. برای استحکام بخشی بهتر بنا در بخش‌هایی از کلاف‌های چوبی عمودی و افقی در داخل دیوار استفاده شده است.</p>	<p>مصالح</p>

معرفی ویژگی‌های عناصر کالبدی قلعه اسفندیاری	ویژگی
تصاویر	<div data-bbox="341 1092 805 1446" data-label="Image"> </div> <p data-bbox="830 1110 869 1419">پی و شالوده بنا (رضایی، ۱۳۹۰)</p>
عناصر	<p data-bbox="309 327 805 864"> تمامی بنا از پایه، شالوده و پی محکم دارد. «شالوده یا پی بنا به صورت نواری و به سبک سنتی ساخته شده است، بدین صورت که ابتدا کانالی به عمق ۱/۵ متر و عرض متناسب با دیواری که بر روی پی ساخته شود حفر شده، سپس کف آن به ضخامت ۱۰ سانتیمتر با شفته بدون آهک یا کم آهک که اصطلاحاً «شفته چرز» نامیده می‌شود، جهت بسترسازی شالوده هموار می‌گردد و پس از بسترسازی، کانال تا ارتفاع ۷۰ سانتیمتری با شفته آهک پر می‌شود و بر روی آن با قلوه سنگ و ملات ماسه آهک به ارتفاع ۷۰ سانتیمتر کرسی چینی می‌شود و پس از آن دیوار بر روی آن اجرا می‌گردد. پی‌سازی در زیر تمام چرزه‌ها به صورت نواری ساخته شده است» (شمسی پور دهکردی، ۱۳۹۰: ۶۶). </p> <p data-bbox="521 245 598 318">شالوده و پی</p>

معرفی ویژگی‌های عناصر کالبدی قلعه اسفندیاری	ویژگی	عناصر
تصاویر	 	<p>سقف‌ها در تمام بخش‌ها دوجداره (دو پوشش) ساخته شده‌اند. سقف‌های اصلی به صورت تیرپوش و پوشش پشت بام گاه گل بوده است (امروز به علت انجام طرح مرمت ایروگام شده است). پوشش طاق انبارها با توجه به نمونه باقی مانده گنبددار و هلوچین کند است و هشتی ورودی به صورت طاق هلالی و جناقی کند با خیز اندک است. نیروی وارد شده به این قوس به پایه‌های دو طرف قوس‌ها منتقل شده است. این نیرو حاصل وزن دیوار و گنبد بر روی قوس‌ها است که در محل تکیه‌گاه به دو مؤلفه افقی و قائم می‌رسد و از طریق دیوار و ستون‌های جانبی به زمین منتقل می‌شود.</p> <p>پوشش طاق دالان‌ها و ایوان‌ها به صورت ترکیبی است و از نوع ساده‌ترین و رایج‌ترین طاق‌ها در طول دوران‌های معماری ایران است. قوس پوشش‌ها ترکیبی از نوع کلیل، کماتی با خیز کم تا قوس نیم‌دایره است. پوشش طاق‌های انبار غله به صورت طاق کلبو است.</p> <p>طاق کلبو در مطبخ (نگارنده)</p> <p>طاق هلالی و جناقی کند در انبار (نگارنده)</p> <p>طاق آهنگ در هشتی (نگارنده)</p> <p>(طاق کلبو در انبار غله (محسن طاهری، ۱۳۹۲: ۱۴۳).</p>

معرفی ویژگی‌های عناصر کالبدی قلعه اسفندیاری	
عناصر	ویژگی
<p>سقف‌ها در تمام بخش‌ها دوجداره (دو پوشش) ساخته شده‌اند. سقف‌های اصلی به صورت تیرپوش و پوشش پشت بام کاه گل بوده است (امروز به علت انجام طرح مرمت ایزوگام شده است). پوشش طاق انبارها با توجه به نمونه باقی مانده گنبددار و هلوچین کند است و هشتی ورودی به صورت طاق هلالی و جناقی کند با خیز اندک است. نیروی وارد شده به این قوس به پایه‌های دو طرف قوس‌ها منتقل شده است. این نیرو حاصل وزن دیوار و گنبد بر روی قوس‌ها است که در محل تکیه‌گاه به دو مؤلفه افقی و قائم می‌رسد و از طریق دیوار و ستون‌های جانبی به زمین منتقل می‌شود.</p> <p>پوشش طاق دالان‌ها و ایوان‌ها به صورت ترکیبی است و از نوع ساده‌ترین و رایج‌ترین طاق‌ها در طول دوران‌های معماری ایران است. قوس پوشش‌ها ترکیبی از نوع کیلی، کمائی با خیز کم تا قوس نیم‌دایره است. پوشش طاق‌های انبار غله به صورت طاق کلمبو است.</p>	<p>طاق کمائی با خیز کم در راهروها (نگارنده)</p>  <p>طاق کیلی در راهروها (نگارنده)</p> 

معرفی ویژگی‌های عناصر کالبدی قلعه اسفندیاری	تصاویر	ویژگی	عناصر
		<p>تمامی بازشوها شامل پنجره‌ها، درب‌ها و نورگیرها از چوب ساخته شده‌اند. ابعاد تمامی درب‌ها متناسب با کارکرد هر بخش منطبق با اصول اقلیمی منطقه عمودی و نسبت عرض به ارتفاع نزدیک یک به دو است. بخش‌های نورگیردار فضای تابستان‌نشین هلالی شکل و زمستان‌نشین بیضی شکل است.</p>	<p>بازشوها</p>
		<p>پلکان ورودی به طبقه دوم در ضلع شمال شرقی (نگارنده)</p> <p>پلکان ورودی از حیاط به فضای داخلی (نگارنده)</p>	<p>راه پله</p> <p>بیشترین بخش راه پله ایجاد شده در ضلع شمال‌غربی ایجاد شده است و بخش‌های دیگر برای اتصال فضای داخلی به حیاط است. تمامی راه پله‌ها از خشت بنا گردیده و برای جلوگیری از تخریب لبه پلکان‌ها، از چوب‌ها استفاده شده است. پلکان‌های ورودی به حیاط با ازاره‌های سنگی تزئین شده‌اند.</p>

۶. عناصر فضایی-کارکردی


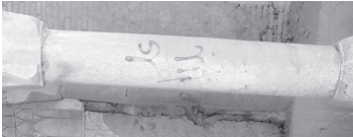


۶.۱. ورودی




ورودی مجموعه در ضلع جنوب شرقی، یکی از برج‌های قلعه، واقع شده است. نمای ورودی شامل طاق و نیم‌طاق، سکو، درگاه، هشتی و دالان به همراه یک راهرو متصل شده به حیاط است. طاق اصلی چپله یا لایه پوشانی و حالت قوس به صورت نیم دایره‌ای بر روی دو ستون مجزا و چهار نیم‌ستون تراشیده شده از سنگ یکپارچه استوار شده است (تصویر شماره ۵). به علت ضعیف بودن شیوه طاق‌زنی، این امکان وجود نداشته است تا بتوان بار رانشی را حذف کرد به همین علت از دو ستون مجزا به عنوان دیوار باربر استفاده شده است. «اگر آجر $۵ \times ۲۰ \times ۲۰$ سانتیمتر را مبنای کار قرار دهیم، در نما با نیمرخ چفد آجرهایی را می‌بینیم که ضلع ۵ سانتیمتر آنها در ردیف اول، روی پاکار قرار می‌گیرد و ضلع ۲۰ سانتی با منحنی چفد حرکت می‌کند. آجرچینی چپله استحکام مناسبی ندارد و معمولاً در چند لایه ساخته می‌شود» (معماریان، ۱۳۹۶: ۱۱۷). با توجه به اندازه خشت‌ها که حدود $۲۵ \times ۲۵ \times ۵$ است، می‌توان دقیقاً همین اجرا را در طاق ورودی این بنا مشاهده کرد (جدول شماره ۲).



تصویر شماره ۵. سردر ورودی (نگارنده)

جدول شماره ۲.۲. تزئینات ستون‌های سردر ورودی (نگارنده)

پایه ستون		ساقه		سرستون		ستون	 <p style="text-align: right;">ستون کامل و مستقل</p>
-----------	---	------	---	--------	---	------	---

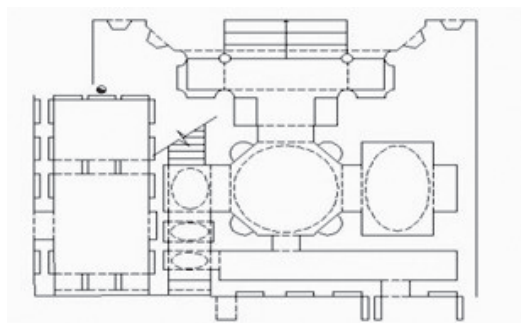
<p>ستون</p>	 <p>نیم ستون متصل به دیوار</p>
<p>سرستون</p>	
<p>ساقه</p>	
<p>پایه ستون</p>	<p>برای نیم ستون‌های متصل به دیوار پایه ستون در نظر نگرفته شده و مستقیماً بر روی سکوه‌های ورودی تکیه داده شده‌اند.</p>



تصویر شماره ۶. آجرچینی قوس‌های سردر ورودی (نگارنده)



تصویر شماره ۷. هشتی ورودی (رضایی، ۱۳۹۰)



تصویر شماره ۸. پلان هشتی ورودی (همان)

دو ستون اصلی باربر از سنگ یکپارچه تراشیده و از سه قسمت سرستون، ساقه ستون و پایه ستون تشکیل شده‌اند. پایه ستون‌ها مربع شکل، ساقه ستون‌ها ساده و یک دست و سرستون‌ها گلدانی شکل‌اند. چهار نیم‌ستون دیگر بدون پایه ستون‌اند و شال ستون‌ها مستقیماً بر روی سکوهایی ورودی و چسبیده به دیوارند (جدول شماره ۲). نوع آجرکاری به اجرا درآمده متعلق به اواخر دوره قاجار است. رویه کار آجر رگ‌چین ساده است و به علت نداشتن استحکام کافی آجرچینی، در چند رج ساخته ایجاد شده است. رخ بام نیز به کمک آجرهایی در عرض بیشتر به صورت ساده اجرا شده است. افزون بر تلفیق آجر و کاشی، تلفیق آجر و گچ نیز بر بدنه ورودی به خوبی به صورت مقرنس‌ها و گچبری‌ها به اجرا درآمده است. سردر خشت با روکش آجر است. پس از سردر ورودی یک هشتی مشاهده می‌شود. هشتی با یک طاق گنبدی به چهار خروجی برای ورود به فضای مسکونی منتهی می‌گردد (تصویر شماره ۷). یکی از ورودی‌ها به ضلع شمالی و رو به حیاط، ورودی دوم در غرب هشتی به یک راهرو می‌رسد و در انتها به حیاط منتهی می‌گردد. ورودی دیگر به ضلع جنوبی و ورودی چهارم به اتاقی در بخش ضلع جنوب شرقی می‌رسد که محل استراحت نگهبانان بوده است (تصویر شماره ۸).

۲.۶. حیاط

این خانه اشرفی به صورت درون‌گرا و حیاط محور است و تقریباً با معماری سنتی و اصول معماری ایرانی احداث شده است. حیاط مجموعه به مساحت ۲۲×۳۳ متر است که در وسط، یک حوض بزرگ سنگی بیضی شکل و در چهار طرف چهار حوضچه کوچک دارد (تصویر شماره ۹). در زمان ساخت، بنا را حدود نیم‌متر در داخل زمین فرو برده‌اند تا بتوانند به سبب اختلاف ارتفاع به راحتی از طریق تنبوشه‌ها آب را به فواره اصلی ارسال کنند. معمار برای جلوگیری از نشست در کف حیاط، حدود ۲۵ سانتیمتر از خاک آن را برداشته و حدود ۱۵ سانتیمتر ماسه‌ریزی و در انتها کل حیاط را با سنگ فرش کرده است. در طی بازدید از این قلعه، فقط بخش‌های کوچکی از بقایای سنگ فرش باقی مانده بود. مطبخ در ضلع شمال شرقی حیاط و انبار غله در ضلع شمال غربی تعبیه شده است. هنوز نیز برخی از بقایای مخازن گلی بزرگ که در اصطلاح محلی تاپو گفته می‌شود، در این بخش دیده می‌شود. بنا یک اصطبل مجزا برای حیوانات داشته که پس از مدتی تخریب شده و به جای آن بخش‌های مسکونی احداث گردیده است. دورتادور حیاط با اتاق‌ها احاطه شده است. ضلع شرقی و غربی دقیقاً قرینه یکدیگراند. اتاقی که در وسط ساخته شده یک اتاق هفت دری و در



تصویر شماره ۹. فضای داخلی حیاط (نگارنده)

کنار هفت دری اتاق‌های سه دری مشاهده می‌شود. از لحاظ پلان، بنا شامل اتاق‌های تابستان‌نشین و زمستان‌نشین هستند، این دو بخش در کنار یکدیگر قرار دارند.

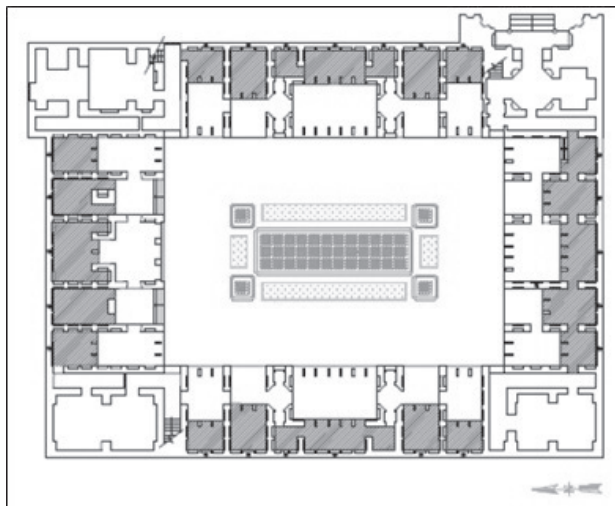
۳.۶. اتاق‌های زمستان‌نشین

این احتمال وجود دارد که سه خانواده از یک طایفه در این مجموعه زندگی می‌کرده‌اند، بنابراین، هر بخش یک سفرخانه، اندرونی، دو اتاق سه دری و دو اتاق خواب بین سفرخانه و اتاق سه دری دارد (تصویر شماره ۱۰). اتاق‌های خواب به صورت قرینه در دو طرف سفرخانه قرار گرفته‌اند. اتاق‌های تابستان‌نشین دورتادور حیاط ساخته شده‌اند که همگی پنجره‌های بزرگ رو به حیاط دارند و اتاق‌های زمستان‌نشین در پشت اتاق‌های تابستان‌نشین‌اند که در تمامی آنان یک شومینه تعبیه شده است (تصویر شماره ۱۱). به علت اقلیم سرد منطقه از جرزه‌های ضخیم جدا کننده برای جدا کردن این دو فضا استفاده شده است؛ بنابراین، فضاهای داخلی از نظر مساحت بسیار جمع و جور (کوچک) ساخته شده‌اند. تقریباً می‌توان گفت هیچ کدام از اتاق‌های زمستان‌نشین به صورت مستقیم به فضاهای آزاد حیاط دسترسی ندارند. تنها وسیله گرمایشی فضای داخلی استفاده از شومینه است. به دلیل نبود هیچ هواکشی برای اتاق‌های زمستان‌نشین، برای سوخت شومینه نخست زغال را در

خارج از محوطه مسکونی روشن می‌کردند و پس از آن کاملاً دود حاصل از سوختن از بین می‌رفت و به داخل شومینه منتقل می‌شد. سپس از طریق یک ورقه فلزی که در داخل دودکش شومینه تعبیه شده بود، دریچه را می‌بستند تا تمامی گرمای زغال فضای داخل را گرم نگه دارد. در هر دو فضا تمامی بخش‌های بالای دیوارها با ایجاد طاقچه از حالت یکنواختی خارج شده است. تمامی بازشوها با اندازه‌های یکسان دو فضا را به یکدیگر وصل می‌کنند (تصویر شماره ۱۲).



تصویر شماره ۱۰. کاربری فضاها (رضایی، ۱۳۹۰)



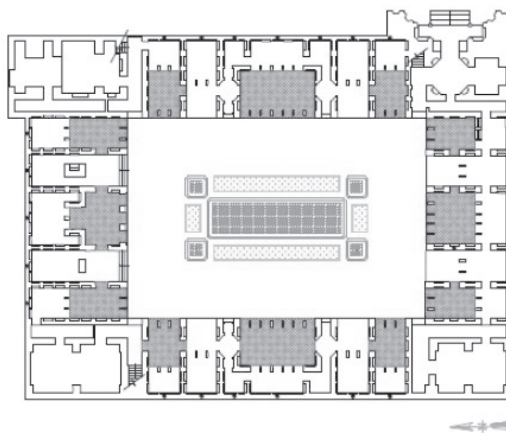
تصویر شماره ۱۱. اتاق‌های زمستان نشین (محسن طاهری، ۱۳۹۲: ۵۶)



تصویر شماره ۱۲. فضای داخلی اتاق‌های زمستان‌نشین (نگارنده)

۶.۴. اتاق‌های تابستان‌نشین

تمامی اتاق‌های فضای تابستان‌نشین به همراه بازشوها با طاق‌های نیم دایره‌ای رو به حیاط باز می‌شوند (تصویر شماره ۱۳). دقیقاً این بازشوها به صورت قرینه به عنوان دیوارهای جدا کننده در بین دو فضای اتاق‌های زمستان‌نشین و تابستان‌نشین نیز وجود دارند. پوشش طاق‌ها در بازشوها در این مجموعه به دو صورت است: ۱. تخت، ۲. نیم قوس هلالی. بیشترین بخش‌ها به صورت نیم قوس و هلالی هستند. تمامی بازشوها از چوب ساخته شده و پنجره‌های بالایی با شیشه‌های رنگی تزیین شده‌اند. نکته جالب توجه در اینجاست که تمامی ایوان‌ها بین فضاهای بخش‌های تابستان‌نشین در یک راستا و ردیف ساخته شده‌اند (تصویر شماره ۱۴).



تصویر شماره ۱۳. اتاق‌های تابستان‌نشین شامل سه در و هفت دری (محسن طاهری، ۱۳۹۲: ۵۷)



تصویر شماره ۱۴. تقارن ورودی‌ها (نگارنده)

اتاق‌های میانی در فضای تابستان‌نشین به اتاق‌های سه‌دري (سفره‌خانه) و هفت‌دري معروف‌اند (تصویر شماره ۱۵). دو اتاق مجاور سفره‌خانه به نام اتاق‌های نشیمن شناخته می‌شوند. در ضلع جنوبی نیز هشت اتاق شامل دو اتاق سه‌دري، سفره‌خانه، حرمسرا و چهار اتاق خواب، در پشت اتاق سفره‌خانه همانند بخش ضلع شمالی یک حرمسرا و دو اتاق خواب در پشت آن قرار دارد. همان حالت قرینه بودن در ضلع‌های شمالی و جنوبی، و در ضلع‌های شرقی و غربی نیز مشاهده می‌شود. در هر دو ضلع اتاق سه‌دري، حرمسرا و اتاق‌های خواب در نظر گرفته شده است. تمامی کف اتاق‌ها به دلیل سرمای هوا و جلوگیری از نفوذ رطوبت به اندازه ۳۰ سانتیمتر با ماسه و آهک پوشانده شده‌اند. در بخش‌های پر تردد بین فضاهای اتاق‌های تابستان‌نشین و زمستان‌نشین از کاشی لاجوردی و آجر استفاده کرده‌اند.



تصویر شماره ۱۵. اتاق‌های تابستان‌نشین شامل سه‌دري و هفت‌دري (محسن طاهری، ۱۳۹۲: ۵۷).

۵.۶. شاه‌نشین

شاه‌نشین در ضلع شمالی مجموعه قرار دارد (تصویر شماره ۱۶). این بخش یک مجموعه دو طبقه است و از تمامی بخش‌ها به اندازه ۱/۵ متر بلندتر است. شاه‌نشین شامل یک اتاق سه‌دری، دو ایوان در اطراف آن و اتاق‌های در اطراف ایوان‌هاست. برای تأمین گرما در فصل زمستان دیوارها به صورت دوجداره ساخته شده است. فضای بین دیوار اصلی و دیوار رویه کار فضای خالی است که متأسفانه بیشترین بخش آسیب دیده بنا نیز این بخش است. بخش‌های زیادی از دیوارها به دنبال یافتن گنج تخریب شده‌اند (تصویر شماره ۱۷).



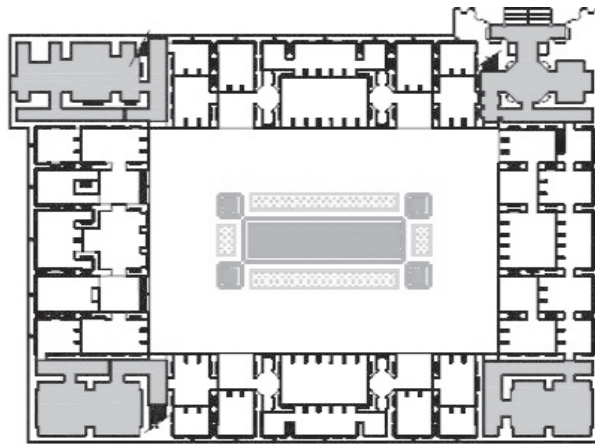
تصویر شماره ۱۶. نمای شاه‌نشین (نگارنده)



تصویر شماره ۱۷. آسیب‌های وارد شده به بخش شاه‌نشین (نگارنده)

۶.۶. برج‌های قلعه

همان‌طور که از نام این مجموعه برمی‌آید و عنوان قلعه را یدک می‌کشد، چهار برج در چهارگوشه بنا دارد، تمامی برج‌ها مربع شکل‌اند. دو برج ضلع شمالی دو طبقه است و یک ایوان با تیر چوبی دارد (تصویر شماره ۱۸). از ظاهر امر چنین برداشت می‌شود که به غیر از برج شمالی، دیگر برج‌ها محل انجام کارهای خدماتی بوده است. احتمالاً با توجه به دو طبقه بودن برج شمالی کاربری مسکونی داشته است. برج سمت راست ضلع جنوبی ورودی و دو برج دیگر کاربری خدماتی داشته‌اند (تصویر شماره ۱۹).



تصویر شماره ۱۸. موقعیت جغرافیایی برج‌های قلعه (محسن طاهری، ۱۳۹۲: ۵۸)



تصویر شماره ۱۹. بقایای برج جنوب شرقی (نگارنده)

۶.۷. روشنایی اتاق‌ها

تعداد بازشوهای در نظر گرفته در اتاق‌های جلویی به خوبی تأمین کننده نور در روز هستند. نورگیرهای اتاق‌های زمستان‌نشین بیضی شکل‌اند و بقیه بخش‌ها مستطیل شکل است. هنگام شب در داخل دیوارها برای قرار دادن چراغ‌های گردسوز بخش‌هایی را نیز تعبیه کرده‌اند (تصویر شماره ۲۰).



تصویر شماره ۲۰. محل قرار دادن چراغ‌های گردسوز (نگارنده)

۶.۸. حمام

در این قلعه یک حمام تعبیه شده بود که متأسفانه امروز کاملاً تخریب شده، طبق شواهد مکان آن در ضلع غربی بوده است.



۷. تأثیر اقلیم و فضا در معماری خانه‌های قاجار

در شناخت معماری خانه‌های قاجار مسئله اقلیم، تقسیم‌بندی فضا و ارتباطات فضاها با یکدیگر (فضای باز و فضای بسته) از مفاهیم اساسی به شمار می‌آیند. در ساختار اکثریت خانه‌های این دوره با وجود برخی ویژگی‌های مشترک معماری، در هر منطقه معماری بومی آن اولویت دارد؛ بدین صورت که معماری اجرا شده متناسب با رویکرد اقلیمی، بالاترین سازگاری را دارد. این سازگاری معنادار منطبق با شرایط اقلیمی و محیطی در آغاز با توجه به نوع کالبد خانه‌ها متناسب با فضاهای مسکونی و نوع مصالح دیده، بر این اساس شکل‌گیری گونه‌های جدیدی از عناصر معماری بومی و یک تنوع فضایی مشاهده می‌شود.

جدول شماره ۳. ویژگی‌های فضایی و اقلیمی قلعه اسفندیاری (نگارنده)

ویژگی‌های فضایی و اقلیمی قلعه اسفندیاری	
سازگاری فضایی	سازگاری اقلیمی
۱. ایجاد فضاهایی با عملکردهای متفاوت در کنار یکدیگر. ۲. جابه‌جایی‌های فصلی در کنار یکدیگر به صورت ایجاد بخش‌های تابستان‌نشین و زمستان‌نشین. ۳. بزرگ بودن بخش‌های مختلف متناسب با نیاز جمعیتی خانوارهای ساکن در عمارت. ۴. ترکیب فضاهای باز و بسته در کنار یکدیگر. ۵. ایجاد فضاهای مسکونی در دو سمت حیاط به صورت قرینه.	۱. تمامی بخش‌ها بر طبق اصول و تناسبات فضایی ساخته شده‌اند. ۲. طراحی بخش‌های مسکونی به صورت تابستان‌نشین و زمستان‌نشین در کنار یکدیگر ساخته شده‌اند. ۳. جهت‌گیری بخش‌های اصلی در جهته شرقی و غربی است. ۴. استفاده بیشتر از خشت به عنوان مصالح اصلی به علت اقلیم سرد منطقه. ۵. پهن و توخالی بودن دیوارهای غیر باربر به منظور حفظ گرما در زمستان. ۶. قرار گرفتن حیاط در محور طولی عمارت. ۷. استفاده از تالارها و ایوان‌ها در محل اتصال بخش‌های اصلی مکسونی. ۸. ایجاد فضاهای تابستان و زمستان‌نشین به موازات حیاط برای بهره‌گیری بیشتر از گرمای خورشید. ۹. ایجاد حوض و باغچه‌های کوچک در چهار بخش اصلی حیاط.

جدول شماره ۴. آسیب‌های وارد شده به قلعه (نگارنده)

عوامل طبیعی	عوامل انسانی
 <p>تأثیر رطوبت بر نمای بیرونی قلعه (نگارنده)</p>	 <p>اثراتی از سوختگی بر در ورودی (رضایی، ۱۳۹۰)</p>

عوامل طبیعی	عوامل انسانی
 <p data-bbox="168 697 632 733">تأثیر رطوبت و بی توجهی عوامل انسانی (نگارنده)</p>	 <p data-bbox="674 693 1076 766">تخریب دیوارهای بخش شاه‌نشین برای پیدا کردن گنج (نگارنده)</p>
 <p data-bbox="207 1130 596 1203">تأثیر رطوبت و بی توجهی عوامل انسانی و بی کیفیت بودن مصالح (نگارنده)</p>	 <p data-bbox="677 1166 1074 1203">عدم رسیدگی ساکنین در حفظ بنا (نگارنده)</p>

با توجه به مطالعات انجام شده مشخص می‌شود معماری بومی قلعه اسفندیاری (خانه اشرفی اسفندیاری) به صورت معناداری منطبق با شرایط اقلیمی و فرهنگی شکل گرفته و ضمن حفظ اصول اولیه در اصالت معماری ایرانی، هویت خاص منطقه خود را نیز دارد. شاید بتوان گفت اقلیم نقشی فعال در شکل‌گیری معماری این خانه اشرفی داشته است. نوع معماری انتخاب شده در این بنا در قیاس با دیگر بناهای هم‌دوره خود نشان می‌دهد به لحاظ کاربردی بین نوع نگرش انسان و محیط راهکاری مناسب را انتخاب نموده است. در واقع نوع معماری بومی این بنا در کنار عوامل اشاره شده در یک سازگاری مناسب است. فضاهای رفت و آمد بین بخش‌های مختلف طوری در نظر گرفته شده است که هم‌زمان به بخش‌های مسکونی و غیرمسکونی به راحتی دسترسی وجود

داشته باشد. راهروها در گوشه‌ها و ایوان‌ها بین فضاهای سهدری و پنج‌دری جای گرفته‌اند. فرم کلی خانه مستطیل شکل و ورودی به صورت غیرمستقیم در گوشه حیاط تعبیه شده است. حوض در وسط حیاط و در طول بخش‌های مسکونی، چهار باغچه کوچک در چهار جهت حیاط رو به بخش شاه‌نشین و اتاق‌های سهدری و هفت‌دری نمای بصری را زیباتر کرده است. این نوع طراحی برای حیاط، افزون بر زیبایی در تأمین سایه، انعکاس نور طبیعی خورشید به بخش‌های مسکونی و تأمین رطوبت در فصل تابستان تأثیر بیشتری دارد (جدول شماره ۳). شاید تنها نقطه ضعف بنا از لحاظ ساختار کیفی باشد که در کاربست اولیه چندان به بحث قوی بودن مصالح و تکنیک‌های مورد استفاده دقت لازم به عمل نیامده است. متأسفانه بیشترین عوامل تخریب نیز افزون بر عوامل انسانی، ضعیف بودن شیوه اجرای کار و اهمیت ندادن صاحبان این خانه تاریخی به حفظ و نگهداری این عمارت اشرافی بوده است (جدول شماره ۴).

۱.۷. الگوی ترکیب فضا

از لحاظ پلان و نوع ساختار این قلعه در نوع خود بی‌نظیر است، تقریباً شبیه این نوع پلان در هیچ یک از قلعه‌های استان مشاهده نمی‌شود. تمام قلعه‌های ساخته شده این استان همگی مربوط به دوره قاجارند، اما از لحاظ پلان، اندازه و نوع کاربری با قلعه اسفندیاری متفاوتند. کارکرد قلعه‌های این استان متناسب با فعالیت‌های مالک خانه در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی اقتصادی قابل بررسی است. اکثر این قلعه‌ها به سبب کارکرد اجتماعی صاحبان آنان در ارتباط با جامعه نقشی فراتر از سکونت داشته‌اند؛ بنابراین، از لحاظ اندازه و مساحت نیز بسیار بزرگ‌ترند. اکثر قریب به اتفاق این قلعه‌ها مرکز حکمرانی خان به حساب می‌آمدند، در حالی که قلعه اسفندیاری بیشتر کاربری مسکونی دارد تا حکمرانی. به همین علت ساختار فضایی این مجموعه چندان شباهتی با قلعه‌های دیگر بخش‌های استان ندارد. قلعه اسفندیاری بنایی درونگرا است که در چهار جبهه، پیرامون یک حیاط مرکزی سازماندهی شده است. این خانه، یک قلعه خانی و یک سکونتگاه خانوادگی و دائمی بوده است زیرا:

۱. اگر به فضاهای داخلی نگاهی افکنده شود، می‌توان مشاهده کرد تمامی بخش‌ها متناسب با عملکرد و کاربری همان بخش ساخته شده است و دقیقاً متناسب با عملکرد بنا است.
۲. اتاق‌های سه‌دری و پنج‌دری ساده و بدون تزیینات خاص‌اند.
۳. خانه مطبخ و یک حمام اختصاصی دارد.

۴. وجود مکان‌هایی در بخش زمستان‌نشین که نشان از نصب کمد دیواری است.

۵. وجود طاقچه‌های دور تا دور بخش‌های مسکونی (جدول شماره ۵).

ترکیب فضای ورودی همانند قلعه دزک و چالشر تزییناتی دارد، اما نوع تزیین متناسب با میزان اهمیت این قلعه است، به طوری که بزرگی و اندازه تزیینات به اندازه دیگر قلعه‌های استان نیست. این قلعه نیز همانند دیگر قلعه‌ها فقط یک ورودی دارد. هشتی ورودی قلعه اسفندیاری به همراه نوع طاق تزیینی در قلعه دزک، قلعه چالشر و خانه اسحاقی‌ها نیز مشاهده می‌شود. حیاط مجموعه مستطیل شکل به همراه یک حوض بزرگ مرکزی است که نمونه اینگونه حیاط در خانه آزاده چالشر و خانه بهشتیان و کیانپور اصفهان نیز دیده می‌شود، هرچند نوع حوض مرکزی در خانه آزاده و بهشتیان متفاوت است. شاه‌نشین در ضلع شمالی قرار دارد، این اتاق مهم‌ترین بخش مجموعه و مخصوص پذیرایی از مهمان بوده و تقریباً بدون تزیین خاصی است. ارتباط این اتاق با اتاق‌های طرفین بی‌واسطه و بدون راهرو است. از لحاظ فرمی شبیه خانه تمیزی‌فر^۱ و بهشتیان اصفهان است. ایوانچه‌هایی در دو ضلع شرقی و غربی در طرفین اتاق‌های هفت دری و سه دری ایجاد شده است. اتاق‌هایی با ترکیب سه در و نورگیرهای بالایی در نما که برای ارتباط فضای داخلی و خارجی است که شبیه این نوع ایوانچه‌ها در خانه‌های همایی، شیران و تمیزی‌فر به صورت دو در دیده می‌شود؛ اما در قلعه اسفندیاری دو بخش تابستان‌نشین و زمستان‌نشین در یک راستا وجود دارد. این ویژگی تقریباً یک عنصر منحصر به فرد در بین این مجموعه است. نمونه چنین ساختار فضایی را در قلعه دزک می‌توان مشاهده کرد، اما با این تفاوت که این ساختار فضایی، در قلعه دزک از نظر تزیینات بسیار پر ابهت اجرا شده است. نمونه این ویژگی معماری را به صورت بسیار گسترده‌تر و پر ابهت‌تر می‌توان در بین خانه‌های قاجار اصفهان و تهران به صورت موردی دید. خانه شیران در اصفهان متعلق به دوره قاجار و اوایل پهلوی واقع در خیابان چهارباغ پایین، یک اتاق سراسری با تزیینات بسیار جالب دارد که در پشت این بخش اتاق‌های زمستان‌نشین دیده می‌شود. چنین ویژگی را در خانه امام جمعه تهران نیز می‌توان مشاهده کرد، با این تفاوت که سرتاسر بخش تابستان‌نشین و زمستان‌نشین با پنجره‌های ارسی تزیین شده است.

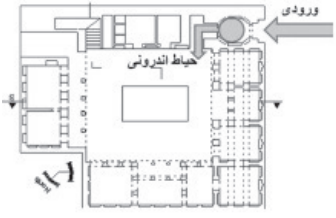
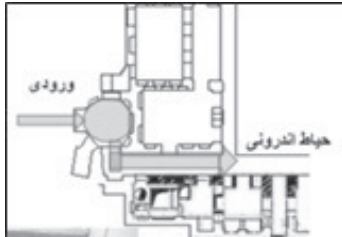
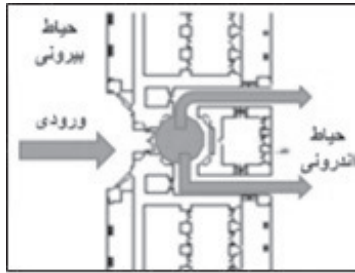
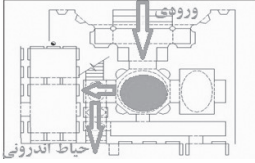
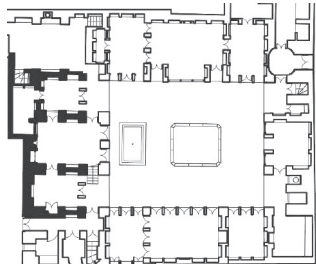
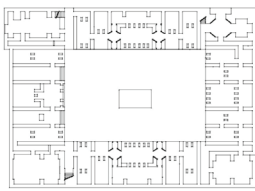
ذکر این مطلب لازم است که این شباهت‌ها فقط از لحاظ شکل است و نه شیوه اجرا، زیرا قلعه اسفندیاری در نوع اجرا و انتخاب مصالح از انسجام چندانی برخوردار نیست. اما بدون تردید، این

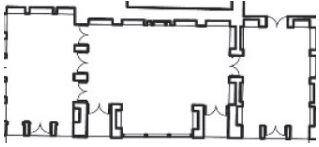
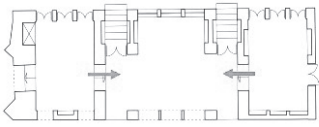


۱. خانه تمیزی‌فر یا نیل فروش‌زاده یکی از خانه‌های تاریخی اصفهان مربوط به دوره قاجار است. خانه‌ای که یک حیاط مستطیل شکل دارد، در ضلع شرقی و غربی این خانه اتاق‌های سه دری و دو دری متعددی ایجاد شده است.


قلعه با تکیه بر اصول و فنونی ساخته شده است که ریشه در معماری سنتی ایران دارد و نوع اجرا ساختارها و فضای معماری در کنار استفاده از انواع طاق‌ها، مهارت و آشنایی کامل معمار بنا با اصول معماری زمان خود را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۵. نمونه‌های قابل مقایسه با قلعه اسفندیاری (نگارنده)

نمونه قابل مقایسه	قلعه اسفندیاری	نوع فضا	کالبد بنا	
			باز	بسته
 <p>خانه اسحاقی (نگارنده)</p>		هشتی و قوس‌های تزیینی	*	
 <p>قلعه دزک (نگارنده)</p>				

نمونه قابل مقایسه	قلعه اسفندیاری	نوع فضا	کالبد بنا
 <p>خانه مرتضوی شهرکرد (بنی طالبی دهکردی، ۱۳۹۲: ۱۰۳)</p>  <p>قلعه خدارحم خان چالشر (همان)</p>  <p>قلعه امیرمفخم دزک (همان)</p>		<p>هشتی و مسیرهای ورودی به حیاط اندرونی</p>	
 <p>خانه بهشتیان (قاسمی سیچانی، ۱۳۹۶: ۵۸)</p>		<p>حیاط مستطیل شکل در مرکز و بخش‌های مسکونی دورتادور حیاط</p>	<p>*</p>

نمونه قابل مقایسه	قلعه اسفندیاری	نوع فضا	کالبد بنا
 <p>خانه بهشتیان اصفهان، جبهه شمالی (همان، ۵۹)</p>  <p>خانه تمیزی فر اصفهان، جبهه جنوبی (همان)</p>		شاه نشین	*
 <p>قلعه دزک استان چهارمحال و بختیاری (نگارنده)</p>		فضای داخلی سفره خانه	*

نمونه قابل مقایسه	قلعه اسفندیاری	نوع فضا	کالبد بنا	
 <p data-bbox="186 560 495 596">سردر ورودی قلعه چالستر (نگارنده)</p>		تزیین سردر ورودی	*	
 <p data-bbox="193 875 489 911">سردر ورودی قلعه دزک (نگارنده)</p>				
 <p data-bbox="193 1190 489 1257">سر در ورودی قلعه ضرغام السلطنه (نگارنده)</p>				

نتیجه گیری

معماری خانه‌های تاریخی در هر شهر، الگویی از فرهنگ آن محسوب می‌شوند که در طول تاریخ متأثر از تعاملات فرهنگی و تغییرات سیاسی و اجتماعی است. این خانه تاریخی در کنار بافت قدیمی شهر به عنوان نمادی از هویت این منطقه محسوب می‌شود. معماری خانه اشرافی اسفندیاری یکی از بناهای شاخص معماری دوره قاجار هم به لحاظ عملکردی و هم به لحاظ زیبایی‌شناسی است. با توجه به تحولات صورت گرفته در چند سال گذشته به شدت در معرض

تخریب و نابودی قرار گرفته است. تاکنون مطالعات چندانی در مورد این خانه اشرافی صورت نگرفته و شناخت جامعی نسبت به آن وجود ندارد. این خانه اشرافی به صورت درونگرا با کاربری مسکونی و پیوسته با بافت روستا ساخته شده است. گسترش خانه در امتداد محور شرقی-غربی و تأکید ساخت بر فضای شاه‌نشین در ضلع شمالی است. معماری این خانه تاریخی هم‌راستا با اقلیم منطقه و از لحاظ ساختاری متناسب با آب و هوای منطقه به صورت حیاط مرکزی ساخته شده است. به علت اقلیم سرد منطقه بام‌ها به صورت دو پوسته ساخته شده و خشت به علت ظرفیت بالای حرارتی جزو بیشترین مصالح مورد استفاده است. ساختار فضایی این خانه نیز از انعطاف‌پذیری خاصی برخوردار است. متناسب با سبک زندگی ایرانی و نوع سازماندهی فضاها در این خانه با هم ترکیب و مطابقت دارد و از هر دو فضای باز و بسته شامل ورودی، حیاط، مطبخ، شاه‌نشین، هشتی، حیاط، اتاق‌های گوشواره و اتاق‌های پنج‌دری و هفت‌دری استفاده شده است. در این خانه اشرافی تناسبات فضایی داخلی و فضاهای چند عملکردی و تغییرپذیری فضایی به خوبی به اجرا درآمده است. این انعطاف‌پذیری در تفکیک و تجمع فضاهای مسکونی بدین صورت است که فضای تابستان‌نشین و زمستان‌نشین در کنار یکدیگر هستند و در حقیقت تغییر فضاهای مسکونی به صورت داخلی است و جابه‌جایی فصلی و حتی گاهی روزانه به راحتی انجام می‌گرفته است. فضاهای مسکونی در دو جهت اصلی شرقی و غربی ساخته شده تا در زمستان بیشترین میزان گرما و در تابستان خنکی هوا را دریافت کند. نوع قرارگیری فضاهای باز، مانند ایوان‌ها در امتداد بیشترین مسیرهای رفت و آمد قرار دارد و به عنوان یک ارتباط دهنده بین فضای داخلی و خارجی عمل می‌کنند. گزینه‌سازی در این مجموعه به خوبی به اجرا درآمده و تنوع در طرح و چیدمان فضاهای مسکونی و غیرمسکونی در کنار یکدیگر براساس یک الگوی مشخص به اجرا درآمده است. تعداد فضاهای مسکونی موجود و نوع تفکیک آنان در این عمارت نشان می‌دهد که چند خانوار با نسبت خانوادگی در آن زندگی می‌کرده‌اند. نوع ساختار معماری و برج‌های ایجاد شده نشان می‌دهد، کاربری این قلعه برای اسکان خان و خانواده بوده است. نوع ساختار معماری بنا چه از منظر فضای داخلی و چه بیرونی اقتدار و ابهت حاکم بر این خانه را نشان می‌دهد.

کتابنامه

- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله. (۱۳۷۶). سفرنامه ابن بطوطه. ترجمه محمدعلی موحد. ج ۱. تهران: چاپ سپهر نقش.

- افلاکی سورشجانی، رضا. (۱۳۸۲). *جغرافیای استان چهارمحال و بختیاری*. شهرکرد: انتشارات مرید.
- آخوندی، اردشیر. (۱۳۷۶). «قلاع استان چهارمحال و بختیاری». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه تهران.
- آهنجیده، اسفندیار. (۱۳۸۷). *تمدن دیرینه چهارمحال و بختیاری*. اصفهان: مؤسسه انتشارات مشعل.
- بنی‌طالبی دهکردی، آزاده. (۱۳۹۲). «ویژگی‌های معماری خانه‌های دوره قاجار استان چهارمحال و بختیاری». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده هنر و معماری. دانشگاه هنر اصفهان.
- پوربختیار، غفار. (۱۳۸۹). «سردار اسعد اول اسفندیارخان»، *دانشنامه تحت فولاد اصفهان*. زیر نظر اصغر منتظرالقائم. ج ۲. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان. صص ۴۴۶-۴۴۸.
- رضایی، الهام. (۱۳۹۰). *قلعه اسفندیاری*. چهارمحال و بختیاری: آرشیو میراث فرهنگی استان چهارمحال و بختیاری. [منتشر نشده].
- سردار اسعد بختیاری، علیقلی بن حسینقلی. (۱۳۷۶). *تاریخ بختیاری*. تهران: انتشارات اساطیر.
- سردار ظفر بختیاری، خسرو بن حسینقلی. (۱۳۶۲). *یادداشت‌ها و خاطرات سردار ظفر بختیاری*. ج ۳. تهران: انتشارات یساولی.
- شاهقلیان، فرهاد. (۱۳۹۲). «طرح مرمت قلعه ضرغام‌السلطنه فرادنبه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده حفاظت و مرمت. دانشگاه هنر اصفهان.
- شمسی‌پور دهکردی، اکرم. (۱۳۹۲). «طرح مرمت و احیای قلعه فرخشهر (اسفندیاری)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده هنر و معماری. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- شیخ‌سینی، فخرالدین. (۱۳۸۹). «بررسی و تحلیل باستان‌شناختی قلاع قاجاری استان چهارمحال و بختیاری». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه محقق اردبیلی.
- طاهری دهکردی، معصومه. (۱۳۹۹). *فرخشهر: مصاحبه*. (۱۱ بهمن ۱۳۹۹). [فایل صوتی موجود].
- فتوحی، داود. (۱۳۸۱). «نگرشی بر سیر تاریخی قهفرخ». *فصلنامه فرهنگ بام/ایران*. ش ۱۲-۱۳. صص ۷۱-۷۹.
- فرمانداری شهرستان شهرکرد. وب سایت تخصصی. (آخرین بازنگری ۱ آبان ۱۴۰۰).
- <<http://shahrekord.ostan.chb.ir. 2021/6/14>>.
- قاسمی سیجانی، مریم. (۱۳۹۶). «تحلیل ساختار کالبدی و کارکردی خانه بهشتیان». *مجله اثر*. ش ۷۷. صص ۴۹-۶۸.
- محسن طاهری، سیده هدی. (۱۳۹۲). «طرح مرمت و احیای قلعه اسفندیارخان فرخشهر». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده هنر و معماری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- معاریان، غلامحسین. (۱۳۹۶). *معماری ایران*. ج ۶. تهران: انتشارات غلامحسین معاریان.
- مکین راس، الیزابت. (۱۳۷۳). *با من به سرزمین بختیاری بیایید*. ترجمه مهتاب امیری. تهران: انتشارات آژان.
- نیکزاد امیرحسینی، کریم. (۱۳۵۴). *شناخت سرزمین بختیاری*. اصفهان: چاپ نشاط.